



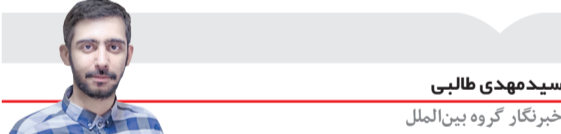
فرهیختگان روی کاغذ، طناب عمر جمهوری اسلامی به‌مویی بند بود. این جمع‌بندی سرویس‌های اطلاعاتی ۲۰ کشوری بود که در جریان ناآرامی‌های سال گذشته با گروه‌های اپوزیسیون ایرانی در ارتباط بودند. اصلی‌ترین منبعی که چنین اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار می‌داد، گروهک تروریستی منافقین بود؛ گروهکی که با لابی و پرداخت مبالغ قابل توجه، سیاستمداران غربی‌رامی خریدناصراحتا منافقین را «جانشین جمهوری اسلامی ایران» پس از سرنگونی بخوانند. رویای منافقین در بهمن سال گذشته که ۱۶۵ نماینده از هر دو حزب آمریکا در قطعنامه‌ای مریم رجوی را «رهبر اپوزیسیون» خوانده‌واز «طرح ۱۰ ماده‌ای» او «برای آینده ایران»، حمایت کردند، بسیار به واقعیت نزدیک شده بود اما دیروز، پلیس آلبانی با حمله به مقر منافقین، قصر رویاهای مریم رجوی و هم‌پایه‌هایش را برای همیشه فرو ریخت. روز گذشته منابع خبری از حمله پلیس آلبانی به مقر منافقین در این کشور خبر دادند. انتشار این خبر آن‌هم کمی پس از اینکه رئیس پلیس پاریس با برگزاری گردهمایی سالانه گروهک تروریستی منافقین در این شهر مخالفت کرده است، بسیار معنادار به نظر می‌رسد. در بیانیه پلیس پاریس، علت ممنوعیت برگزاری گردهمایی منافقین «شرایط ژئوپلیتیکی که باعث ایجاد اختلال در نظم عمومی می‌شود»، اعلام شده است. حالا پس از لغو این گردهمایی که قرار بود اول جولای برگزار شود، پلیس آلبانی به مقر منافقین حمله کرده است. فارس به نقل از پایگاه خبری آلبانی دلیلی نیوز نوشته: «پلیس آلبانی اعلام کرد که براساس حکم دادگاه آلبانی وبه دلیل نقض توافقات صورت گرفته، پلیس به این مقر حمله کرده که با مقاومت تروریست‌های منافق مواجه شده است.» در بیانیه‌ای که وزارت کشور آلبانی صادر کرده، دلیل چنین تصمیمی را «اقدامات» گروهک منافقین خوانده که با تعهدات آنها در سال ۲۰۱۴ در تعارض بوده است. «در شبکه‌های اجتماعی اخباری از دستگیری وبه‌هلاکت رسیدن برخی منافقین همچون عبدالوهاب فرجی‌نژاد» از مسئولان ترور و شکنجه‌گران سه پاسدار شهید کمیته انقلاب اسلامی (شهیدان طهماسبی، میرجلیلی، طاهری) منتشر شده اما تا کنون این خبرها را سوی پلیس یا وزارت کشور آلبانی تایید نشده است.

حمله به مقر منافقین در شرایطی انجام گرفته که تیرانا شهریور سال گذشته‌وس پس از یک حمله شدیدسایبری به زیرساخت‌های دیجیتال این کشور، مدعی شد این حمله توسط ایران انجام گرفته و بر این اساس روابط دیپلماتیکش را با تهران قطع کرد. دو اقدام بی‌دربی علیه گروهک منافقین، نشان می‌دهد که واقعیت فراتر از آن چیزی است که در بیانیه وزارت کشور آلبانی ذکر شده است. اگرچه تا کنون هیچ اطلاعاتی با بیانیه دیگری درباره چرایی این اقدامات منتشر نشده اما مشخص است که تیرانا در اندازه‌ای نیست که بتواند به تنهایی در این باره تصمیم‌گیری کند. منافقین بخشی از پروژه ایالات متحده آمریکا علیه ایران بودند و بر همین اساس نیز واشنگتن در سال ۲۰۱۲، این گروهک را از فهرست سازمان‌های تروریستی خود خارج کرد. پس از حمله به کمپ اشرف در عراق، واشنگتن منافقین را به «کمپ لیبرتی» که یک پایگاه نظامی در نزدیکی فرودگاه بغداد بود منتقل کرد و پس از تصمیم دولت عراق در اخراج آنها، با دادن وعده‌هایی به آلبانی، آنها را در تیرانا مستقر کرد.

فرجام وطن‌فروشی

موضوع دیگری که نشان می‌دهد موضوع فراتر از اختیار آلبانی است، زمان این تصمیم است. پلیس آلبانی سال‌روز شورش نافرجام منافقین در سال ۱۳۶۰ را برابری حمله به منافقین انتخاب کرده است. در سال ۱۳۶۰، منافقین با صدور نخستین اطلاعیه سیاسی – نظامی و

گزارش



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

رژیم صهیونیستی از دست کرانه باختری جان به لب شده است. روز دوشنبه در واقع‌های نادر طی دوده‌گذشته نظامیان صهیونیست در جریان عملیاتی در جنین برای خروج از محاصره مجبور به استفاده از بالگرد تهاجمی آپاچی شدند. اشغالگران با استفاده از ۷ ماشین زرهی مشهور به یوزپلنگ تلاش داشتند به‌زعم خود در هنگام غفلت مردم شهر دست به عملیات علیه هسته‌های مقاومت در جنین بزنند اما در همین هنگام نیروهای مقاومت یک بمب به وزن ۴۰ کیلوگرم را به مسیر این کاروان منفجر کرده و سپس تیراندازی‌های شدید از همه سو صهیونیست‌ها را زمین‌گیر کرد. آنها پس از ۸ ساعت با حضور نیروهای کمکی و پشتیبانی هوایی موفق به خروج از مهلکه شدند. سال‌ها پیش رهبر ایران خواستار تسلیح مقاومت در کرانه باختری شده بود وحالا انگار این اتفاق افتاده و این منطقه به اصلی‌ترین و دردناک‌ترین جبهه علیه اشغالگران تبدیل شده است. درباره این استراتژی جدید، نکاتی را باید مدنظر قرار داد:

برخورد با سازمان‌های شبه‌نظامی زیرزمینی برای صهیونیست‌ها تا اندازه‌ای آسان است. آنها این اقدام را طی دوده‌گذشته در کرانه باختری انجام داده‌اند.

چنین گروه‌هایی در منطقه کرانه باختری که مملو از حضور سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، تشکیلات خودگردان و همچنین مخبران و خیانتکاران است، به‌راحتی قابل کشف هستند. با شناسایی این افراد آنها با سهولت و به‌صورت جداگانه دستگیر می‌شوند تا مقاومتی جمعی از سوی آنان شکل نگیرد. با این حال هنگامی که صهیونیست‌ها در جریان مقابله با گروه‌های شبه‌نظامی زیرزمینی کرانه باختری طی دو سال گذشته به مشکلاتی برخورد‌اند. با وجود ضربات شدید به این گروه‌ها تعدادشان افزایش یافت و به‌تدریج گروه‌های جدیدی پایه‌میدان مبارزه گذاشتند. پس از هردرگیری و ضربه شدید، گروه مجددا ساختار خود را بازیابی می‌کرد و همچنین سیر فراینده جذب نیرو به‌راه می‌افتاد.

این بحران اما در حال عمیق‌تر شدن است. با گسترش کمی گروه‌های مقاومت در کرانه باختری عملا کنترل بسیاری از مناطق آن از دست تشکیلات خودگردان خارج شده‌واز سوی دیگر مبارزه دیگر منحصر به گروه‌های شبه‌نظامی زیرزمینی نیست و مردمی شده است. در نبردهای جدید بافاصله پس از ورود اشغالگران به مناطق فلسطینی، با لباس رسمی یا لباس‌های میدل در قالب یگان مستقرین، به‌سرعت تفنگ‌ها از نقاط زیادی به‌سمت آنهاشانه‌می‌روند. این معضل امکان هرگونه عملیات امنی را از صهیونیست‌ها گرفته است. آنها تا پیش از این با اطلاعات به‌دست آمده عناصر فعال را شناسایی کرده و در زمان مناسب به شکل ناشناس وارد مناطق فلسطینی نشین شده و آنها را به شهادت رسانده یا دستگیر می‌کردند. حتی در مواردی علیه این نیروها کمین نیز به اجرا آمد. این نوع برخورد، برای نظامیان امنیتی صهیونیست امنیت ایجاد می‌کرد تا بدون تلفات

۴۲ سال بعد از غائله ۳۰ خرداد ۶۰، مقر منافقین در اروپا زیر آتشی رفت که خودشان به پا کرده بودند

عاقبت بی‌وطن‌ها



اعلامیه برگزاری تظاهرات ۳۰ خرداد، از هوادارانش خواست که همگی با سلاح سرد و گرم مانند تیغ متبرکتی، چاقو، قمه، کاتر گوشت و پیچ گوشتی و… در تظاهرات حضور یابند. انتخاب این روز برای ضرب‌شست نشان دادن به منافقین، حکایت از تصمیم بازیگران دیگر در این پرونده دارد. در هفته‌های اخیر، علاوه‌بر رشد رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در منطقه، نشانه‌هایی از توافقات بین ایران و طرف‌های اروپایی به چشم می‌خورد. یک نمونه‌آن تبادل زندانیان دو طرف در چند هفته اخیر بوده است. علاوه‌بر این، برخی منابع از ردوبدل شدن پیام‌هایی بین ایران و آمریکا با میانجیگری عمان خبر می‌دهند. به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی که در این مذاکرات مطرح شده است، گروهک تروریستی منافقین بوده و حاصل این

توافق، لغو گردهمایی آنها در پاریس و حمله به مقر آنها بوده است. از مفاد توافقات احتمالی خبری به بیرون درز نکرده است اما اکنون مشخص است که تصمیم دولت فرانسه برای عدم برگزاری گردهمایی منافقین، بی‌ارتباط با آزادی دو شهروند فرانسوی دستگیر شده در ایران نیست. پس از آزادی‌اسن این دوتبعه فرانسه، روسای جمهور ایران و فرانسه گفت‌وگویی ۹۰ دقیقه‌ای با یکدیگر داشتند. منافقین از سال ۲۰۰۸ و زمانی که از لیست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا خارج شدند، هرساله در اول جولای میثینگ‌شان را در پاریس برگزار می‌کردند اما امسال این امکان را ندارند. آنها که به خوبی به فکر و منزلت خود در نزد دولت فرانسه آگاه‌اند، پس از لغو گردهمایی‌شان مدعی «معامله دولت ایران و فرانسه» بر سر آنان شدند؛ اقدامی که



مقصد؛ «مادر ترزا»

خواندن خبرها از آنچه در تیرانا اتفاق افتاده از قلم منافقین، اکنون جذاب است. دستگاه

پروپاگاندای آنها علیه جمهوری اسلامی، حالا دارد از آنچه بر سرشان آمده می‌نویسد. اکانته‌های منافقین متنی را به نقل از دبیرخانه موسوم به «شورای ملی» بازنشر داده‌اند که در آن آمده بیش از هزار پلیس به‌صورت ناگهانی «به اشرف۳ حمله کرده‌اند و حداقل یک تروریست را به هلاکت رسانده و «بیش از ۱۰۰ نفر را به دلیل استنشاق گاز فلکل راهی

۴۲ سال بعد از غائله ۳۰ خرداد ۶۰، مقر منافقین در اروپا زیر آتشی رفت که خودشان به پا کرده بودند

عاقبت بی‌وطن‌ها



حداقل یک بار دیگر رخ داده بود. در سال ۱۳۶۵، فرانسه برای آزادی‌سازی گروگان‌هایش در لبنان، به تهران متوسل شد. یکی از شروط ایران برای کمک به آزادی گروگان‌های فرانسوی، اخراج منافقین از فرانسه بود که مورد پذیرش این کشور نیز قرار گرفت تا منافقین مجبور شوند برای ادامه حیات به صدام حسین پناه ببرند.

چه باید کرد؟

سال ۱۳۵۹ مسعود رجوی در یک سخنرانی در ورزنگاه شهید شیرودی (امجدیه) با عنوان «چه باید کرد؟ جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد که «وای بر آن روزی که مشش را با مشت و گلوله را با گلوله پاسخ دهیم.» بیش از ۴۰ سال از آن شاخ‌وشانه کشیدن‌ها



مقصد؛ «مادر ترزا»

بیمارستان «مادر ترزا» کرده‌اند. منافقین نوشته‌اند که پلیس «بسیاری از درها و کمد‌ها و وسایل را شکستند و با گاز اشک‌آور و گاز فلکل به ساکنان حمله کردند. بسیاری از کامپیوترها را شکسته یا با خود برد‌اند.» آنها این حمله را با حمله «نیروهای مالکی به اشرف در عراق در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵» قیاس کرده و از دولت آمریکا و ملل متحد خواسته‌اند که «تضمین‌های لازم را برای ممانعت از تکرار این اتفاقات ارائه دهند.

گذشته و منافقین به هر ابزاری برای نابودی ایران متوسل شد اما نه‌تنها توانست جمهوری اسلامی را سرنگون کند که بعداز ۴ دهه، سرنوشت خودش نامعلوم و سرنوشت تشکیلاتش، حاصلی جز آوارگی نداشته‌است. آنها در غرب و شرق با دشمنان ایران همکاری کردند و به‌آنها سرویس دادند اما نتیجه ۴ دهه دیروزی‌گی‌شان، دیروز جلوی چشمان‌شان آمد. این سرنوشت منافقین یعنی بزرگ‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین تشکیلات ضدایرانی است. سایر گروه‌ها و اشخاصی که خود را اپوزیسیون ایرانی می‌خوانند، که جای خود دارند. اگرچه اکنون سیرک اپوزیسیون به پایان رسیده است و آنها به جان یکدیگر افتاده‌اند اما همین چندماه پیش ۸ چهره که خود را افراد شاخص می‌دانستند در یک سالن دانشگاه جرج تاون دور هم نشستند تا از برنامه‌های آینده‌شان برای گذار از جمهوری اسلامی بگویند! این افراد در حالی ملتسمانه به‌دنبال حمایت‌های غربی و به‌اصطلاح خودشان «فراآتلانتیکی» بودند که منافقین به‌سادگی از پارلمانی به پارلمان دیگری می‌فتند و رابزیرنی‌های سطح بالای می‌کردند. آنها آرزوی حمایت کنگره آمریکا را داشتند اما مریم رجوی، در کنفرانس مطبوعاتی کنگره آمریکا پس از قطعنامه‌ای موسوم به حمایت از قیام مردم ایران که در آن ۱۶۵ نماینده کنگره مریم رجوی را «رهبر اپوزیسیون» خوانده‌واز «طرح ۱۰ ماده‌ای» او «برای آینده ایران»، حمایت کرده بودند، به راحتی سخنرانی کرد.

این حمایت‌ها به دلیل جمع‌بندی غرب درباره منافقین بود. آنها اصلی‌ترین اپوزیسیون جمهوری اسلامی را منافقین می‌دانستند و بر همین اساس این مریم رجوی بود که اجازه پیدا می‌کرد در پارلمان‌های کشورهای مختلف اروپایی به ایراد سخنرانی بپردازد. منافقین حتی گروه موسوم به «دوستان ایران آزاد» را در پارلمان کشورهای بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، بلژیک و حتی پارلمان اروپا سازماندهی کرده بودند. عیار همه این نمایش‌ها، دیروز خود را نشان داد. دیروز تشکیلات مریم رجوی یک بار دیگر ارزش واقعی خود را درک کرد. این البته سرنوشت منافقینی است که قابلیت سرویس‌دهی به غرب را داشته و هزاران عملیات و اقدام علیه ایران انجام داده‌اند. سرنوشت سایر اپوزیسیون همچون پهلوی و بازیگران و فوتبالیست‌ها که به‌جز استفاده از کلمات آن‌هم در توییت، قابلیت دیگری ندارند و برای همین کار هم به دنبال گدایی از آمریکا و مفت‌خوری از پول‌های بلوکه‌شده ایران هستند، جای خود دارد.

از هول حلیم

یک خطای بزرگ منافقین و سایر اپوزیسیون ایرانی، بزرگ‌تر از واقعیت جلوه‌دادن ناآرامی‌های ایران بود. آنها به‌هر شکل به‌دنبال دخالت دادن غرب در یک جنگ علیه ایران و نابودی جمهوری اسلامی بودند، اما به این فکر نمی‌کردند که اگر این حقه‌نگیرد، چه بر سر آنها خواهد آمد. آنها سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی غربی را به خطا انداختند تا وارد اقدام علیه ایران شوند؛ اقدامی که نتیجه نداشت و آنها باید دیر یا زود منتظر پاسخ ایران باشند. اشاره سردار محمد کاظمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه پیرامون نقش داشتن ۲۰ سرویس اطلاعاتی در اغتشاشات سال گذشته و نام بردن از این کشورها، نشان می‌دهد تهران می‌خواهد هزینه این ماجراجویی را برای آنها فاکتور کند. اکنون غبارها فرونشسته و واقعیت‌ها عیان شده است. بهار ۱۴۰۲ که قرار بود بدو جمهوری اسلامی آغاز شود، به تابستان رسید و جمهوری اسلامی مقتدرانه در جای خود ایستاده اما در آن طرف، اپوزیسیون مثل سگ به جان یکدیگر افتاده و همدیگر را تکه‌پاره می‌کنند تا مقصر شکست‌شان را پیدا کنند.

محاصره نظامیان صهیونیست در شهر جنین کرانه باختری یک نقطه‌عطف مهم در جنگ بارژیم است

تکرار لبنان و غزه در کرانه باختری

چهارراه مگیدو در شمال فلسطین شغالی که به مقاومت لبنان منصوب شده است، احتمال داد چنین اقدامی در فلسطین فرآگیر شود. حدسی که هم اکنون درست از آب درآمده است. این بمب‌گذاری‌ها تلفات نظامیان صهیونیست‌ها در هرگونه درگیری را بالا می‌برد؛ آن‌هم بدون آنکه در مقابل مبارزی فلسطینی به شهادت برسد. به همین دلیل بمب‌گذاری‌های کنار جاده‌ای ضمن ایجاد وضعیتی دشوار و خون‌بار برای صهیونیست‌ها معادله «تلفات‌گیری بدون تلفات» را به تل‌آویوتحمیل خواهد کرد. معادله‌ای که چنانچه پیش‌به‌دلیل سیطره اطلاعاتی، مجهز بودن و هجوم‌های ناگهانی اشغالگران تقریباً نفع آنها بود.

صهیونیست‌ها در عملیات روز دوشنبه خود از ۷ خودروی زرهی که ظرفیت هر کدام ۱۴ نفر است بهره می‌برند. این کاروان می‌توانسته حداکثر ۹۸ سرباز را با خود حمل کند. حتی اگر تعداد نظامیان تاب‌ندان مجهز صهیونیست را ۵۰ نفر درنظر بگیریم، آنها به کمک نیروهای کمکی اعزامی که در نخستین مرحله ۱۰۰ نفر بوده‌اند، تقریباً ۸ ساعت در محاصره قرار داشتند. در جریان این درگیری‌ها به بالگرد صهیونیست‌ها نیز آسیب رسید. این اتفاق نشان‌دهنده دسترسی نیروهای مقاومت فلسطین به مهمات کافی است. تهیه اسلحه‌یک بخش از ماجراست اما تامین مهمات

مدرک فارغ‌التحصیلی جاسم ساکی فرزند فهّد به شناسنامه ۱۷۹ صادره از دشت آزادگان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی روانشناسی بالینی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۵۱۴۱۰۶۰۱۳۹۳۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۶ ۱۳۹۴مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۱۳۴۹۹۶۸۸۷۵ و صندوق پستی ۱۹۱۱۵ ارسال نماید. ✦✦

گواهی موقت دوره کاردانی پیوسته رشته مربی بهداشت مدارس اینجناب فاطمه حسین خانی فرزند بهادر به شماره ملی ۱۴۸۱۰۰۶۵۸۳ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. ✦✦

اصل دانشنامه دوره کارشناسی ارشد رشته فیزیولوژی ورزشی کاربردی

لازم‌برای آن جهت درگیری و تیراندازی مداوم بحث دیگری است. برای نخستین بار طی ۲۰ سال گذشته از بالگرد استفاده شده. ارتش رژیم صهیونیستی ضمن اذعان وتایید این خبر اعلام کرد که این تیراندازی از سوی نیروهای مقاومت گردان جنین وابسته به سرایا القدس (شاخه‌نظامی جهاد اسلامی) صورت گرفته‌است. منابع خبری رژیم صهیونیستی گزارش دادند، گلوله‌های شلیک شده به دم‌بالگرد «آپاچی» اصابت کردند که این مساله پیچیدگی وحدی بودن رویداد جنین را نشان می‌دهد.

«سرایا القدس» شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده این گروه در مسیر کاروان خودرویی ارتش رژیم یک بمب‌مانفجر کرده است. هرچند تیراندازی هادر ادامه باترکیبی از گروه‌های مقاومت و مسلحان فلسطینی شکل گرفته است، اما نقش اینکاری جهاد اسلامی در این خصوص اهمیت بسیاری دارد. تقریباً پس از پایان جنگ ۱۱ روزه می ۲۰۲۱، تقریباً این جهاد اسلامی بوده که پرچم اصلی مبارزه را در دست داشته است. پس از ۲۰۲۱ تا کنون دو جنگ ۳ روزه سال ۲۰۲۲ و ۵ روز سال ۲۰۲۳ در غزه شکل گرفته که در هر دو جنگ جهاد اسلامی هدف اصلی بوده است. همچنین در این مدت جهاد اسلامی فعال‌ترین گروه کرانه باختری به‌شمار می‌آمده است. ضربات سنگین جهاد اسلامی به رژیم درحالی است که این گروه تنها یکی از گروه‌های مقاومتی است. تنها در غزه ۱۲ گروه نظامی حضور دارند که یک گروه آن متعلق به جهاد اسلامی است و یک گروه نیز به حماس تعلق دارد. اگر تنها جهاد اسلامی در کرانه باختری و غزه کام صهیونیست‌ها را تلخ کرده و مبارزه تل‌آویو با این گروه می‌نتیجه بوده است، آشکار است که رژیم قادر به مهار تنش‌های امنیتی نیست.

اینجناب مهدی مداحی فرزند رضا به شماره شناسنامه ۴۲۱ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. ✦✦

مدرک موقت سمیرا آبیبار فرزند یونس دارای شناسنامه به شماره ۵۹۴۱۰۵۵۹۴۱۰۰۵۹۰۰ صادره از ساوه رشته کاردانی کامپیوتر صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نوریلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی۳۹۱۸۷-۳۶۶۰۱ ارسال نماید. ✦✦

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۹۸ به رنگ نقره‌ای به شماره موتور ۱۳۲۴۹۴ K ۱۲۴ و به شماره شاسی ۱۶۷۰۶۶ K ۹ CE ۱ NAAM۰۱ و به شماره پلاک ۳۴-۶۵۸۰۷۷ مفقود گردیده و در درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ✦✦